

جایگاه غزل در آثار رودکی

ترجم امیری امرایی

قسم بر آن دل آهن خورم که از سختی
هزار طرح نهاده است سنگ خارا را
که از تو هیچ مروت طمع نمی دارم
که کس ندیده است ز سنگین دلان مدارا را
هزار بار خدا را شفیع می آم
ولی چه سود چو تو نشنوی خدا را، را
چو رودکی به غلامی اگر قبول کنی
به بندگی نپسندد هزار دارا را (۱)

اگر به ابیات بالا توجه کنیم و به بررسی دقیق آنها بپردازیم، صرف نظر از صحت یا عدم صحت نسبت دادن این ابیات به رودکی، همه ویژگی های غزل در آنها دیده نمی شود. آنچه که در یک غزل به عنوان یک قالب مستقل شعری باید وجود داشته باشد یکی مضمون مناسب غزل، وجود مطلع و مقطع همراه با تخلص، قافیه و وزن مناسب غزل و... است. ولی اگر به اسلوب بیان افکار عاشقانه این شعر بیشتر دقت شود، به روشنی معلوم می شود که سبک و شیوه رودکی و خصوصیات کلام رودکی نه تنها در آن دیده نمی شود، بلکه بیشتر سبک و شیوه غزل سرایی ذر دوره بازگشت ادبی را فریاد می آورد. شاید به همین دلیل باشد که استاد سعید نفیسی نیز، شک دارد که این غزل از آن رودکی باشد و با تردید آن را به رودکی نسبت می دهد. (۲)

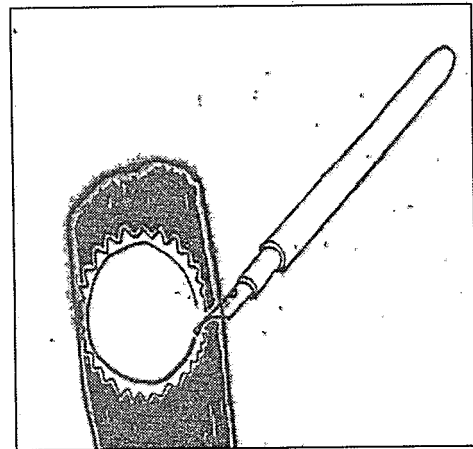
شلی نعمانی اولین کسی است که شک می کند که این اشعار از آن رودکی باشد، چه در مقطع این ابیات تخلص آمده است. حال آن که در آن زمان در شعر، تخلص را نمی آوردند. نکته دیگر که باید بر مبنای آن در نسبت دادن این ابیات به رودکی شک کرد این است که استاد سعید نفیسی این ابیات را از آثاری که در همین اواخر تألیف شده اند یافته است که چندان معتبر نیستند و نمی توان بدون شواهد و قراین قوی، چیزی را از این آثار پذیرفت. استاد نفیسی، شعر بالا را از منابعی یافته است که قدیمی ترین آنها کتاب «عرفات العاشقین» است که در حدود قرن یازدهم نوشته شده است. بنابراین، چون این

این که، غزل به طور دقیق از چه زمانی به عنوان قالبی مستقل شناخته شده است و اولین کسی که غزل سروده، چه کسی است؟ از گذشته ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. علما و محققان زیادی در این مورد تحقیقاتی انجام داده اند و هر کدام برای گفته ها و اعتقادات خود دلایلی بیان کرده اند. تقریباً هیچ کدام از محققان و استادانی که در این باب تحقیق کرده اند چیزی را از روی یقین نگفته اند. همه آنچه که گفته و نوشته شده است، از روی قراین و شواهدی است که از جانب عده ای قابل توجه هستند و از جانب عده ای دیگر، قابل اعتنا نیستند. به همین خاطر، شاید به سختی می توان زمان رواج غزل به عنوان نوعی مستقل در شعر فارسی را مشخص کرد.

در مورد منشأ غزل و نسبت دادن سرودن غزل به رودکی، محققان نظریات متفاوتی را بیان کرده اند. گروهی از محققان معتقدند چون عشق و احساسات درونی انسان، جزء جدایی ناپذیر انسان هستند و از آغاز خلقت انسان در وجود این مخلوق قرار داده شده است، پس از ابتدای سرودن شعر فارسی، غزل نیز وجود داشته است. اما گروه دیگری معتقدند درست است که عشق و احساسات و عواطف جزو طبیعت انسان از ابتدای خلقت هستند، اما این دلیلی برای خلق غزل در ابتدای سرودن شعر فارسی نیست و نکته دیگر این که، شعرا ابتدا عشق و احساس و عاطفه خود را در شکل قصیده می آوردند. استاد سعید نفیسی در اثر ارزشمند «احوال و اشعار رودکی» دو نمونه غزل را آورده و آنها را به رودکی نسبت داده است. این غزل ها یکی ۵ بیت و دیگری ۳ بیت دارد. اما این دو قطعه شعر را به دلایل و شواهدی نمی توان بدون واسطه به رودکی نسبت داد. یکی از غزل های نسبت داده شده به رودکی این است:

زهی فزوده جمال تو زیب و آرا را
شکسته سنبل زلف تو مشک سارا را

در نوشتار زیر، درباره این موضوع که آیا رودکی، غزل مستقل سروده است یا خیر، بررسی صورت گرفته است. ضمن این جوانب موضوع نیز از طرف نویسنده مورد ارزیابی قرار گرفت.



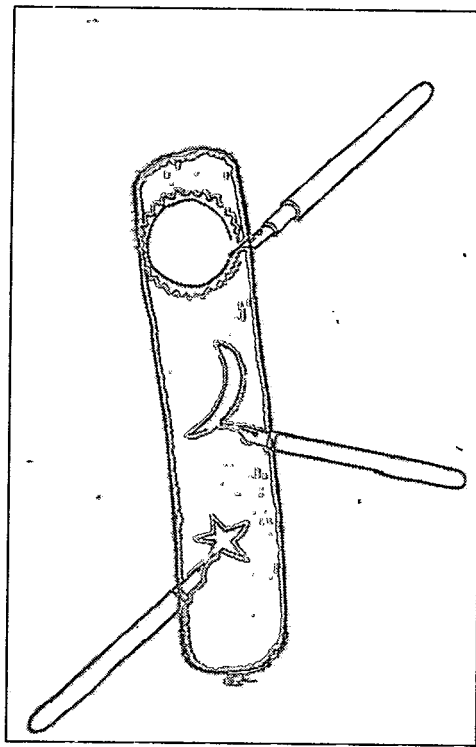
آثار در زمانی نزدیک به زندگی رودکی نگاشته نشده‌اند، نمی‌توان اطلاعات آنها را بدون قید و شرط درست و دقیق دانست. (۳)

در مورد شعر دیگر نیز، استاد سعید نفیسی تردید داشته است که از آن رودکی باشد. این ابیات
 دلا تا کی همی جوئی منی را
 چه کویی بیهوده سرد آهنی را
 دلم چون ارزنی عشق تو کوهی
 چه سائی زیر کوهی ارزنی را
 بیا اینک نگه کن رودکی را
 اگر بی جان روان خواهی تنی را (۴)

همان غزل ۳ بیتی است که به رودکی نسبت داده شده است. دو بیت اول آن، در لغت فرس اسدی طوسی آمده است. بیت مقطع آن را، استاد سعید نفیسی در جنگ محمدتقی بن هادی یافته است. در مورد این ابیات هم، به همان دلایل بالا نسبت دادن آن به رودکی تقریباً نادرست است چه منبعی که استاد نفیسی این ابیات را یافته است در زمانی بسیار دور از زمان زندگی رودکی تألیف شده است همچنین در هیچ کدام از منابعی که قبل از این کتاب تألیف شده‌اند، این بیت مشاهده نشده است. نکته قابل توجه دیگر این که، در هیچ کدام از اشعار غزل، مانند رودکی تخلص نیامده است.

در منابعی که در مورد رودکی سخنی آمده و نمونه‌ای از اشعار او آورده شده است، به شکل‌های متفاوتی عمل شده است. در بعضی از این منابع به نمونه شعرهایی که از رودکی آورده شده، عنوان غزل داده شده است از جمله هفت اقلیم امین احمد رازی و در بعضی دیگر به نمونه شعرهایی که از رودکی آمده عنوان غزل داده نشده است. از جمله منابعی که به هیچ کدام از نمونه اشعار رودکی عنوان غزل نداده است یکی تذکره لباب الالباب محمد عوفی و دیگری تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی است. البته، مؤلفان منابع نیز، در بعضی موارد اختلاف نظر دارند. مثلاً امین احمد رازی قسمتی از شعر مشهور بوی جوی مولیان را آورده و به آن عنوان غزل داده است، حال آن که دولتشاه سمرقندی همین شعر را آورده و در مورد آن گفته است که این ابیات قسمتی کوچک از قصیده‌ای طولانی است که رودکی سروده است. بنابراین می‌بینیم که مؤلفان منابع در این مورد، با هم اختلاف نظر دارند. بر همین اساس نمی‌توان فقط به دلیل این که مؤلفی چند بیت از رودکی را در اثر خود آورده و به آن عنوان غزل داده است و بدون بررسی جوانب کار به پاره‌ای از اشعار رودکی عنوان غزل داد.

استاد عبدالغنی میرزایف در کتاب «رودکی و انکشاف غزل» آورده است که در آثار رودکی بعضی قطعات شعری وجود دارند که با بررسی ویژگی‌های آنها پی می‌بریم که با قصاید معمولی متفاوتند، از طرف دیگر، آنها را نمی‌توان غزل کامل شمرد. از جمله این شعر:
 بیار آن می که پنداری مگر یاقوت نابیستی
 و یا چون برکشیده تیغ پیش آفتابستی
 بپاکی گوئی اندر جام مانند گلابستی
 بخوشی گوئی اندر دیده بی خواب خوابستی



سحابستی قلع گویی و می قطره سحابستی
 طرب گوئی که اندر دل دعای مستجابستی
 اگر می نیستی یکسر همه دلها خرابستی
 اگر در کالبد جان را ندیدستی شرابستی
 اگر این می به ابر اندر به چنگال عتابستی
 از آن تا ناکسان هرگز نخوردندی ثوابستی (۵)

همان گونه که دیده می‌شود قافیه بندی این ابیات، نه مانند قافیه بندی غزل نیست و نه همانند قصیده‌های معمولی. در مورد موضوع نیز، هر چند ارتباط منطقی بین ابیات قصیده را به یاد می‌آورد، از طرف دیگر، ویژگی‌هایی غزل‌های آغازین در آن دیده می‌شود. (۶)
 در آثار رودکی ۲ بار کلمه غزل مورد استفاده قرار گرفته است:

دریغ مدحت چون زر و آبدار غزل
 که چابکیش نیاید همی بلفظ پدید
 اساس طبع ثنایت پل قوی تر از آن
 ز آلت سخن آید همی همه مانید (۷)
 و در جای دیگر می‌گوید:
 زبانم از غزل و مدح بندگانش نسود (۸)

در این دو مورد هم نمی‌توان به روشنی و دقیق گفت که غزل به عنوان نوعی خاص از شعر در نظر رودکی بوده است. چه آنچه بیشتر به نظر می‌آید منظور رودکی از کلمه غزل در موارد بالا، تغزلات قصاید مورد نظر باشد. یا معنی غزل مورد نظر او بوده است.

اولین شخصی که در مورد غزل و نسبت آغاز سرودن غزل به عنوان نوعی مستقل از شعر به رودکی تحقیقاتی انجام داده، شرق شناس معروف هرمان اته است. هرمان اته در سال ۱۸۷۲ در اثرش به نام «رودکی»؛ شاعر سامانیان» در این مورد به تحقیق پرداخته و کارهای قابل توجهی انجام داده است. دیگر شرق شناسان چون فرنسوز شالرشفر، چارلز پیکرینگ هرکدام به نوعی معتقدند که در آثار رودکی غزلیاتی نیز وجود دارد و در

آثار رودکی غزل به عنوان نوعی مستقل از شعر مورد استفاده قرار گرفته است.

شبلی نعمانی برخلاف نظر شرق شناسانی که گفته شد، معتقد است غزل در آثار رودکی به عنوان یک نوع مستقل مورد استفاده قرار نگرفته بلکه منظور از غزل همان مقدمه قصیده است. در بین استادان این زمان ایران استاد سعید نفیسی، دکتر پرویز ناتل خانلری و زین العابدین مومتمن نیز نظر شبلی نعمانی را می‌پذیرند و نظر شرق شناسان را رد می‌کنند.

دکتر خانلری معتقد است که تا اواخر قرن پنجم، هیچ شاعری را نمی‌توان یافت که غزل سروده باشد و اگر هم چنین شاعری وجود داشته است، چون دیوانی از او در دست نیست نمی‌توان بر مبنای آن حکمی را صادر کرد. (۹)

عبدالغنی میرزایف، در «کتاب رودکی و انکشاف غزل» معتقد است که رودکی انواع شعر از جمله قصیده، رباعی و غزل را به کمال رسانید و برای اولین بار غزل را به عنوان قالبی نو و جداگانه مورد استفاده قرار داده و تحت تأثیر رودکی رشد یافته و به کمال رسیده است. (۱۰)

استاد ذبیح‌الله صفادر «تاریخ ادبیات» عقیده عبدالغنی میرزایف را تأیید می‌کند و در عین حالی که اسمی از غزل به میان نمی‌آورد ولی معتقد است که از انواع شعری که از رودکی باقی مانده به خوبی می‌توان پی برد که در انواع شعر استاد و ماهر بوده است. (۱۱)

استاد صدرالدین عینی نیز معتقد است که رودکی انواع شعر فارسی را در شعر خود آورده و آغازگر بسیاری از قالب‌های شعری از جمله غزل بوده است. استاد عینی شش قطعه شعری رودکی را تحت غزل به عنوان نمونه ذکر می‌کند.

همانگونه که ذکر شد از مجموع مطالبی که شرح داده شد می‌توان به این نتیجه رسید که در مورد غزل و آغاز سرودن غزل به عنوان قالبی مستقل در شعر فارسی، دو عقیده وجود دارد. گروهی از محققان معتقدند آنچه که به عنوان غزل در اشعار رودکی آمده، همان مقدمه قصیده است. همان گونه که می‌دانیم، استادان و دانشمندان و محققان زیادی در مورد میزان اشعار رودکی نظریاتی داده‌اند که حجم اشعار رودکی بسیار بیشتر از آن مقداری است که امروزه در دست ماست و مقداری بسیار بیشتر از آنچه که باقی مانده از میان رفته است، بنابراین دور از ذهن نیست که در مواردی، از یک قصیده، تنها تغزل آن باقی مانده باشد و مابقی آن از بین رفته باشد. بر همین اساس نمی‌توان آنچه که از یک قصیده باقی مانده است به عنوان یک غزل مستقل به حساب آورد. گروهی دیگر نظری برخلاف این نظر دارند و معتقدند که آغازگر غزل، رودکی است و رودکی است که غزل را به عنوان قالبی مستقل به کار برده و بعدها به تکامل رسیده است.

اما قبل از این که جانب یکی از این دو گروه بالا را بگیریم لازم است به بررسی معنی غزل بپردازیم و در نهایت دلایل هر کدام را بررسی کنیم و به این نتیجه برسیم که به نظر ما کدام گروه از محققان نظری به

حقیقت نزدیک تر دارند.

غزل در لغت به معنی سخن گفتن با زنان، عشق بازی کردن، حکایت کردن از جوانی، حدیث و صحبت و عشق زنان، عشق بازی است. (۱۲) در اصطلاح شعری است بر یک وزن و قافیه با مطلع مصرع که حد معمول متوسط بین ۵ بیت تا دوازده بیت است و گاهی بیشتر از این تا حدود پانزده و شانزده به ندرت تا نوزده بیت نیز می رسد. اما کمتر از پنج بیت آن را غزل نام تمام گفت و کمتر از ۳ بیت را نشاید غزل گفت. (۱۳) قدیم ترین منبعی که از غزل نامی به میان آمده است کتاب «المعجم فی معیار اشعار العجم» اثر شمس الدین محمد بن قیس رازی است. شمس قیس رازی در مورد غزل می گوید: «غزل در اصل لغت حدیث زنان و صفت عشق بازی با ایشان و تهالک در دوستی ایشان است. بعضی اهل معانی فرق نهاده اند میان نسیب و غزل گفته اند معنی نسیب ذکر شاعر است، خلق و معشوق را و تصرف عشق ایشان در وی و غزل دوستی زنان است و میل و هوای دل بر ایشان (۱۴). شمس قیس همچنین ذکر زیبایی های معشوق و وصف جمال و احوال عشق و عشق ورزی را غزل می داند و غزل هایی که مقدمه، مدحی یا شرح دیگری غیر از آنچه گفته شد باشد نسیب است. همچنین باید غزل وزنی خوش و الفاظی مطبوع و شیرین و سلیس داشته باشد. (۱۵)

از گفته های شمس قیس این گونه می توان نتیجه گرفت که غزل باید این ویژگی ها را داشته باشد: مضمون خاص خود را دارد، وزنی مناسب با مضامین عشقی و آرام کننده روح و بر انگیزاننده خاطر دارد، الفاظی سلیس و شیرین دارد. به ویژگی های مورد نظر شمس قیس، باید این نکته را اضافه کرد که ابیات غزل می توانند موضوعات مختلفی را شامل شوند بر خلاف مقدمه قصیده که موضوعی واحد را در بر می گیرند.

حال با بررسی آثار رودکی می توان به این نتیجه رسید که به نظر نمی رسد در آثار رودکی قطعه شعری به عنوان غزل با همه ویژگی های مورد نظر در مورد غزل یافت بلکه آنچه به عنوان غزل در آثار رودکی مطرح شده است بیشتر همان مقدمه قصاید است که بعدها از قصیده جدا شده و تغییری در آن ایجاد شده و به عنوان نوعی مستقل از شعر رواج یافته است.

نه تنها در آثار رودکی بلکه در آثار شاعران هم عصر او نیز نمی توان قطعه ای پیدا کرد که همه ویژگی های غزل در آن موجود باشد. آنچه که لازم است در اینجا گفته شود این است که در برابر دیگر قالب های شعری چون مثنوی، قطعه، رباعی و قصیده می توان نوعی خاص از شعر یافت که در آن شاعر به بیان احساسات خود از جمله عشق و عیاشی، غم و اندوه، وصف طبیعت و... پرداخته است. این نوع شعر همان مقدمه قصیده است که با عنوان تشبیب از آن یاد می شود. این مقدمه چندی از ویژگی های غزل را در خود دارد اما تفاوت هایی نیز با غزل دارد. بنابر این، این گروه از اشعار رودکی همان مقدمه قصیده هایی هستند که ممکن است تنه اصلی قصیده از بین رفته باشد و از یک قصیده طولانی فقط همین ابیات مقدمه از آن باقی مانده باشد

□ عبدالغنی میرزایف در کتاب «رودکی و انکشاف غزل» معتقد است؛ که رودکی انواع شعر فارسی مانند قصیده، رباعی و غزل را به کمال رسانید و برای اولین بار از غزل به عنوان قالبی نو و مستقل استفاده کرد. ذبیح الله صنفابدون اشار به غزل می گوید؛ رودکی در انواع شعر استاد و ماهر بود.

و از بین رفتن تنه اصلی قصیده موجب شده این تصور به وجود بیاید که رودکی قالبی نو به نام غزل را در شعر خود تجربه کرده و تغزل را از قصیده جدا کرده است. شبلی در این مورد در کتاب خود به نام «شعر العجم» معتقد است غزل در عصر مذکور را فقط شامل نسیب قصیده ها می داند و قصیده را در جای خود منبع یگانه غزل می شمارد. شبلی معتقد است که آغاز شعر و سخن سرایی فارسی را در پیدایش قصیده می داند و غزل در ابتدای سرودن شعر ایجاد نشده بلکه برای تکمیل سایر انواع شعر به وجود آمده است. زیرا گفتن اشعار عاشقانه در ابتدا به وسیله قصیده صورت می گرفت و هنگامی که این قسمت را از قصیده جدا کردند نام غزل را بر آن نهادند و گویی از درخت قصیده قلمه ای گرفتند و جداگانه آن را نشانند و اینک همان قلمه درختی تناور شده است. (۱۶)

دکتر نصرالله امامی در کتاب ارزشمند خود به نام «رودکی استاد شاعران» بدون بیان سرچشمه و چگونگی ایجاد غزل در مورد غزل در عصر رودکی معتقد است که کاخ بلند غزل شعر فارسی حاصل نخستین تجربه های شاعران نام آور عصر سامانی است، زیرا هر یک از جنبه های و جهتی در غنای آغازین غزل فارسی شریک هستند و در عین حال، مضامین غزل هر یک از آنها برجستگی های خاص خود را دارد. در نخستین ادوار شعر فارسی، معانی غزلی در کنار اشعار ستایشی و یا در مقدمه آنها وارد شده است. زیرا غزل خود نوعی ستودن است. ستودنی که بعد عاطفی و احساسی آن قوی تر و صمیمی تر است. (۱۷)

نکته، قابل توجه این است که نمی توان سهم استاد رودکی را در کشف غزل نادیده گرفت. هر چند در دوره رودکی غزل یک قالب مستقل نبود اما جرعه های جدایی مقدمه قصیده از تنه اصلی و تغییر بعضی ویژگی های آن به وسیله رودکی حاصل شد تا سال ها بعد در شعر سعدی و حافظ و... به کمال برسد. رودکی نه تنها در

آغاز ایجاد غزل سنهم عمده ای داشت بلکه میراث به یادگار مانده از وی، در خلق این قالب شعری تأثیر غیر قابل انکاری داشته است. وزن اشعار رودکی در غزل سرایی مورد استفاده وسیع قرار می گیرند. بحوری چون هزج، رمل، مضارع و... که اکثر اشعار باقی مانده رودکی به این اوزان سروده شده اند، از جانب شعرای غزل سرا در سال های بعد از رودکی، بسیار مورد استفاده قرار گرفته اند. بهره هایی که غزل سرایان بعد از رودکی از آثار ابو عبدالله برده اند، تنها محدود به مورد گفته شده نمی شود بلکه بضماین اشعار رودکی نیز مورد استفاده شعرای بعدی قرار گرفته است.

منابع

- ۱- ابو عبدالله رودکی، دیوان، شرح و توضیح منوچهر دانش پژوه، نشر توس، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۳.
- ۲- شرح احوال و آثار رودکی، سعید نفیسی.
- ۳- شعر العجم، شبلی نعمانی، تهران، ۱۳۱۶، ج ۱، ص ۲۲.
- ۴- ابو عبدالله رودکی، دیوان، ص ۲۴.
- ۵- همان، ص ۳۳.
- ۶- رودکی و انکشاف غزل، عبدالغنی میرزایف، نشریات دولتی تاجیکستان، استالین آباد، ۱۹۵۷، ص ۱۰.
- ۷- ابو عبدالله رودکی، دیوان، ص ۶۷.
- ۸- همان، ص ۷۹.
- ۹- تحقیق انتقادی در عروض فارسی، پرویز ناتل خانلری، تهران، ۱۳۲۷، ص ۱۴۷.
- ۱۰- رودکی و انکشاف غزل، صص ۷۳-۷۱.
- ۱۱- تاریخ ادبیات ایران، دکتر ذبیح الله صفا، ج ۱، ص ۳۴۹.
- ۱۲- فرهنگ فارسی، محمد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۴۱۲.
- ۱۳- فنون بلاغت و صناعات ادبی، جلال الدین همایی، نشر هما، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۲۴.
- ۱۴- المعجم فی معیار اشعار العجم، شمس الدین محمدبن قیس رازی، تهران، ۱۳۱۴، ص ۳۰۶.
- ۱۵- همان.
- ۱۶- شعر العجم، شبلی نعمانی، ج ۵، ص ۲۷۲.
- ۱۷- رودکی استاد شاعران، نصرالله امامی، نشر جامی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۱.

منابع

- ۱- ابو عبدالله رودکی دیوان، شرح و توضیح منوچهر دانش پژوه، نشر توس، تهران، ۱۳۷۴.
- ۲- پرویز ناتل خانلری، تحقیق انتقادی در عروض فارسی، تهران، ۱۳۲۷.
- ۳- جلال الدین همایی، فنون بلاغت و صناعات ادبی، نشر هما، تهران، ۱۳۷۰.
- ۴- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات، تهران، ۱۳۷۱.
- ۵- سعید نفیسی، محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۱.
- ۶- شبلی نعمانی، شعر العجم، تهران، ۱۳۱۶.
- ۷- شمس الدین محمدبن قیس رازی، المعجم فی معیار اشعار العجم، تهران، ۱۳۱۴.
- ۸- عبدالغنی میرزایف، رودکی و انکشاف غزل، نشریات دولتی تاجیکستان، استالین آباد، ۱۹۵۷.
- ۹- محمد معین، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۰- نصرالله امامی، رودکی استاد شاعران، نشر جامی، تهران، ۱۳۷۳.